



۴

مجموعه آثار همایش بازشناسی  
اندیشه های شهید هاشمی نژاد

# مجموعه‌ای مقالات

\* تألیف حجت الاسلام والمسلمین حسن نقی زاده

### چکیده

مطالعه و بررسی ابعاد حیات علمی، اجتماعی مفاخر هر جامعه، یکی از عوامل مؤثر در رشد و شکوفایی استعدادها و نهادینه شدن ارزش ها و فضیلت های آن جامعه است. استاد شهید سید عبدالکریم هاشمی نژاد رحمته الله علیه از معدود عالمان ربانی زمان شناس، صاحب نظر و صاحب بصر است که قلم و بیان او در تحولات جامعه‌ی معاصر سهمی وافر داشته است. آثار و نگاه‌های آن بزرگ را با رویکردهای گوناگون می‌توان مورد مطالعه و بررسی قرار داد.

اما این مقاله با مروری بر تأثیر مقتضیات زمانه در آثار یاد شده، نقش زمان آگاهی را در اولویت بخشیدن به عناوین و موضوعات مطرح شده در این آثار

و نیز مخاطب شناسی و سبک نگارش استاد، را، مورد تأمل قرار داده، به دو ساحت پایایی و پویایی این نگاه‌ها اشاره دارد.

کلید واژه‌ها: هاشمی نژاد، مقتضیات زمان، زمان و مطالعات دینی، روشنفکران حوزوی.

باسمه تعالی

قال امیر المؤمنین علیه السلام: «حَسْبُ الْمَرْءِ مِنْ عِرْفَانِهِ عِلْمُهُ بِزَمَانِهِ»<sup>۱</sup>

در معرفت آدمی همین بس که روزگار خویش را بشناسد

مقتضیات زمان در آثار شهید هاشمی نژاد رحمته‌الله

بررسی تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی هر ملت و جامعه ای بدون تأمل در حیات فرهیختگان آن ملت و جامعه و بدون شناخت شخصیت ها و نخبگان آن، میسر نیست.

بی‌گمان وضعیت کنونی جامعه‌ی ما مرهون تأثیرگذاری مجموعه عناصری است که حضورشان در عرصه های گوناگون حیات اعتقادی، فرهنگی و سیاسی جامعه، تحول خیز و برکت آمیز بوده است و انواع مجاهدت آنان با زبان و قلم شورانگیز و ظلم ستیز. زبدگانی که هم برانگیزنده‌ی شور بوده اند، و هم مظهر شعور. هم احیاگر سنت و هم دشمن جان بدعت.

از توان فوق‌العاده‌ای در جهت فرهنگ سازی و بیدارگری برخوردار بوده‌اند و برای تقویت انگیزه ها و بسیج نیروها آماده‌ی پیکار.

استاد شهید ما سید عبدالکریم هاشمی نژاد رحمته الله علیه یکی از این نادره مردان عصر بیداری و نهضت اسلامی ماست که چونان ستاره‌ای در آسمان تاریخ معاصر می‌درخشد.

به یقین، یکی از روش‌های شناسایی فرهیختگانی چون او، مطالعه آثار مکتوب و تألیفات برجای مانده است، اما این آثار خود از دیدگاه‌های گوناگون باید تحلیل شوند. از جمله آنکه:

- فضای حاکم بر این آثار چگونه بوده است؟ انگیزه‌ها، جریانات اندیشه

ساز و مقتضیات زمانی و مکانی که به تألیفات او انجامیده است کدام‌اند؟

- درک مؤلف از عناصر زمانی و مکانی مورد نظر چه بوده است؟

مؤلف از چه عواملی تأثیر پذیرفته است؟

آنچه در این نوشتار مورد توجه قرار گرفته، تأثیر مقتضیات زمانی در آثار

آن شهید فرزانه است.

این قلم، ضمن اشاره به اوضاع و شرایط نگارش آثار استاد، به تأثیر

مقتضیات عصر در شکل‌گیری این آثار خواهد پرداخت.

### مشخصه‌ی کلی عصر نگارش

چنان که بررسی‌ها نشان می‌دهد، استاد شهید هاشمی نژاد رحمته الله علیه از مقطع سنی

حدود بیست و هفت سالگی به تألیف روی آورده است. اولین اثر نامبرده،

کتاب مناظره‌ی دکتر و پیر، در سال ۱۳۳۷ انتشار یافته است و آخرین کتاب

مؤلف شهید، جلد دوم اصول پنج‌گانه اعتقادی با نام رهبران راستین می‌باشد

که سال ۵۴ به چاپ رسیده و در این فاصله آثاری چون درسی که حسین به

انسان‌ها آموخت به سال ۱۳۴۷ عرضه شده‌اند.

جانمایه‌ی برخی از این آثار، سخنرانی‌هایی است که از سوی آن بزرگمرد پس از بازنگری و تجدید نظر، آماده‌ی چاپ و منتشر شده‌اند.

مقایسه میان عناوین و موضوعات کتاب‌ها از یک سو و محتوا و سبک و روش نگارش آثار از سوی دیگر، نشانه‌ی دو شاخصه ثبات اصول باورها همراه با پویایی و تلاش مستمر در بستر زمان است که شناخت آن دو ویژگی نیازمند آشنایی بیشتر با شخصیت نویسنده است.

### شخصیت نویسنده

مرحوم استاد، چهره‌ای روحانی، برخاسته از دامن حوزه‌ی علمیه است که در محضر بزرگانی چون آیت الله کوهستانی، آیت الله بروجردی، مرحوم میرداماد و سرانجام بزرگی چون امام خمینی زانو زده و ابعاد شخصیت اعتقادی اخلاقی او در این عرصه شکل گرفته، اما او از امتیازات و برازندگی‌های ویژه‌ای هم برخوردار بود که از او شخصیتی کم نظیر ساخته، او را برای مجاهدتی عظیم با استفاده از دو بال قلم و بیان مجهز و مهیا می‌نمود. درک عمیق شرایط، حساسیت‌های زمانه و نیازهای جامعه و حوادث تلخ و شیرین و آگاهی از وضعیت جامعه و جهان و لزوم پرداختن به اصلاح نسل جوان، از خصایص و برجستگی‌های ستودنی آن فرزانه بود. دقت بیشتر و مطالعه دقیق‌تر این ماجرا نیازمند برداشتی واقع بینانه‌تر از شرایط فرهنگی و فضای روشنفکری عصر تألیفات آن شهید والا مرتبه است.

هاشمی نژاد هم جریان‌های روشنفکری درون ایران را می‌شناخت و هم حرکت‌های آزادی خواهانه در جهان اسلام، در خاورمیانه، در کشورهای آفریقایی و شبه قاره هند را کما بیش زیر نظر داشت:

### ماجرای روشنفکری

رویارویی مسلمانان با فرهنگ و تمدن مغرب زمین، زمینه نضج گفتمان فکری روشنفکری در ایران را پدید آورد.<sup>۱</sup>

در برابر جریانانی که میرزا ملکم خان ناظم الدوله و آخوندزاده پیشقراول آن بوده، دین را میراث اعراب تلقی می نمود<sup>۲</sup> و نیز در مقایسه با جریان روشنفکران ملی لیبرال که محمد مصدق در دهه‌های بیست و سی طلایه‌دار آن بود و امثال بازرگان و سحابی در سال ۱۳۴۰ با تأسیس نهضت آزادی، دموکراسی و لیبرالیسم را در پرتو آموزه‌های دینی امانه بر پایه اسلامی فقهاتی و نفوذ روحانیت پذیرفتند.

### روشنفکری در ایران

جریان‌ها و حرکت‌های روشنفکری دینی که اگر چه با تأخیر، اما با خصلت‌رهبری روشنفکرانه در ایران شکل گرفتند، در چهارگروه خلاصه می‌شدند:

۱- جریانانی که می‌کوشید با تأثیرپذیری از فرهنگ غرب و بر اساس علم تجربی، تفسیری روشنفکرانه از دین ارائه نماید. نماینده این تفکر را امثال بازرگان و سحابی تشکیل می‌دادند.

۱ - عبدالهادی حائری، رویارویی‌های مسلمانان با دو رویه تمدن بورژوازی غرب

۲ - جنتی زاده، اسلام سیاسی در ایران، قم، دانشگاه

۲- جریانی که از آموزش‌های مارکسیستی و چپ متأثر بود و با نگاه به علمی بودن مارکسیم به عنوان یک علم مبارزه و انقلابیگری، به تفسیر علمی آن می‌پرداخت. سازمان مجاهدین نمونه بارز این جریان بود.

البته جامعه‌شناسی در شکل چپ آن بعد از شهریور ۱۳۲۰ از طریق آموزش‌های حزبی و سیاسی در ایران رواج یافت. این جریان از شوروی دستور می‌گرفت و حیدرعلی اف، نخستین چهره‌ی شناخته شده این جریان است و طرفداران آن دین را افیون ملت می‌پنداشتند.<sup>۱</sup>

۳- دیدگاهی که اقبال لاهوری و احیای فکر دینی او در رأس آن قرار داشت و به نوعی دوره‌ی عقل تجربی را جایگزین وحی و بی‌نیاز کننده از آن عرضه می‌نمود.

۴- نگرشی که ایده‌ی بازگشت به خویشتن را مطرح می‌نمود و با رویکردی جامعه‌شناختی به دین، از دیدگاه‌های کلاسیک قرن بیستم، اثر پذیرفته بود. امثال دکتر شریعتی نمونه این نوع نگرش بود.

اما در کنار این جریان‌ها، حرکت مبارک و چشمگیری به ظهور پیوست که می‌توان از آن با عنوان روشنفکری حوزوی یاد نمود و شهید ارجمند ما بدان تعلق دارد.

### مشخصه‌های تفکر حوزوی

مهم‌ترین امتیازها و مؤلفه‌های تفکر حوزوی و وجه تمیز این تفکر با روشنفکری‌های معاصر را باید در موارد ذیل خلاصه نمود:

۱- تکیه بر نصوص دینی و متون کتاب و سنت به عنوان منبع دین شناسی با عقیده به اصل جاودانگی و فراتاریخی بودن این منابع؛

۲- لزوم استناد رفتار و عقیده به شریعت و منطبق بودن زندگی فردی و اجتماعی آدمیان با مبانی دینی؛

۳- پذیرش عقل به عنوان یکی از منابع معرفت دینی و جمع میان عقل گرایی با نص گرایی و نیز طریقی به نصوص دینی به روش اجتهادی؛

۴- نفی خود اتکایی بشر و مبارزه با اصل خود آینی و انسان مداری که وحی و شریعت را در پای هوای نفس آدمی قربانی می کند.

۵- حرمت نهادن سنت به مفهوم مجموعه روش ها و افکار و پیشینه های فکری، علمی و زمینه های علوم اسلامی و دستاورد اندیشه های دینی.<sup>۱</sup>

استاد هاشمی نژاد رحمته الله علیه را از این مجموعه باید به حساب آورد که هم خاستگاهی حوزوی داشت و هم دیدگان نافذ و بیداری که ناظر به اوضاع جامعه و جهان اسلام بود.

### عوامل زمان آگاهی استاد

بی شک مجموعه ای از عوامل و زمینه ها دست به دست هم داد تا از یک سو، استاد را با محیط پیرامونش آشنا سازد و هم از وی، درد آشنایی مسئولیت شناس و زمان آگاهی فعال و نه منفعل، پرورش دهد.

از آنجا که بررسی این عوامل، موضوع اصلی این مقاله نیست، از کنار آن می گذریم و به این اشاره بسنده می کنیم که استعداد و نبوغ شخصی اثر انفاس قدسی وارسته ای چون مرحوم آیت الله کوهستانی و سپس شخصیت



جامعی چون امام خمینی و بعد از آن حضور در برنامه‌هایی چون کانون بحث و انتقاد دینی که مدام پرسش‌های گوناگون را دریافت می‌نمود در این باب نقش مؤثر داشته‌اند، اما در این جهت که عامل اصلی و تعیین‌کننده زمان آگاهی استاد چه بوده است، جای تأمل بیشتر است.

شاید و وضعیت معیشتی و تربیت خانوادگی آن عالم ربانی در این مورد اثرگذار بوده‌اند، اما هر چه باشد، از مفاد آیاتی چون «**ان تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا**»<sup>۱</sup> اگر تقوای الهی پیشه کنید خداوند برای شما جداکننده حق از باطل قرار می‌دهد و حدیث نبوی «**اتقوا فراسه المؤمن فانه ينظر بنور الله**»<sup>۲</sup> (زیرکی مؤمن را پیاورد که در پرتو نور خدا، می‌نگرد)، هم در جای خود نباید غفلت نمود.

### عرصه‌های ثابت در آثار استاد

گاه تحولات زمانه به گونه‌ای است که نخبگان دینی و روشنفکران نامی را به سرعتی غیر قابل پیش‌بینی متفعل ساخته، در گرگون می‌سازد و رویکرد آنان را به سمت و سویی تقویت یا تضعیف می‌نماید و گاه از پژوهش‌ها و تألیفات آغازین پشیمان ساخته، به تجدید نظر و امی دارد. برخی از آثار روشنفکران نیم قرن اخیر گویای چرخش‌های ۱۸۰ درجه‌ای در مواضع سیاسی اجتماعی آنان بوده است؛ به عنوان نمونه می‌توان دو کتاب اسلام مکتب مبارز و مولد از مهندس بازرگان را که در دهه پنجاه تألیف شده است با اثر دیگر مؤلف، آخرت و خدا، هدف بعثت پیامبران که در سال ۱۳۷۷ انتشار یافته است، مقایسه و چرخش مورد نظر را به وضوح مشاهده نمود. اما شهید جوانمرد ما، در

تمامی مراحل، از اصول دائم و معیارهای ثابت اعتقادی اجتماعی تبعیت می‌نمود و چنان که انتظار می‌رفت بر جامعیت اسلام فقاهتی پای می‌فشرده.

استاد، یک عالم حوزوی روشن‌ضمیر و در حقیقت دین‌شناسی روشنگر بود که از یک سو به سازمان روحانیت، مراجع و مدرّسان حوزه بی‌اعتماد نبود، خود را مرهون حوزه می‌دانست و از آن دفاع می‌نمود.<sup>۱</sup>

با این حال اقلیتی را در حوزه نقد می‌فرمود و از بی‌تعهدی قشری‌گری، ناراضی و سخت‌رویگردان بود و در عین حال مقایسه روحانیت اسلام با مسیحیت را، امری غیر منطقی می‌دانست.<sup>۲</sup>

از سوی دیگر او آزاداندیشی پویا و روزآمد بود که دیدگاه‌های مخالف را می‌شنید و درمی‌یافت و سپس در صدد نقد آنها بر می‌آمد. وضعیت روز حوزه را نمی‌پسندید، اهل گفتگو و بی‌تعصب بود. با دستاوردهای علمی و جریان‌های سیاسی و فرهنگی، مدام مرتبط بود و با آنها تعامل می‌نمود.

### عرصه‌های متغیر

درک واقع‌بینانه زمان و پایش مقتضیات و مطالعه و برآورد نیازهای جامعه، متغیرهایی را در عرصه‌ی مطالعات و پژوهش‌ها و سرانجام تألیفات استاد ایجاد می‌نمود؛ متغیرهایی که آثار ایشان را از حیات و پویایی لازم برخوردار می‌ساخت و روزآمد می‌نمود. برخی از عناصر انعطاف‌پذیر در روند نگارش و تألیف‌های استاد، به قرار ذیل‌اند:

الف - اولویت‌ها و ضرورت‌ها؛

۱ - سیدعبدالکریم هاشمی‌نژاد، مناظره دکتر و پیر، ص ۵۱۲ - ۵۶۰

ب - رویکردها و شیوه‌های اثباتی یا دفاعی؛

ج - مخاطب شناسی؛

د - سبک و ساختار کتاب‌ها (لحن و ادبیات)

### الف) اولویت‌ها و ضرورت‌های زمان

با نفوذ تفکر مادی، الحادی در قالب الحاد مارکسیستی از یک سو و افکار پوزیتیویستی و اثبات‌گرایانه تجربی از سوی دیگر، افزون بر بیماری نسل روشنفکر از بدو انعقاد نطفه اش در ایران، هجمه ای سنگین به مقدسات دینی و مبانی مذهبی را در پی می‌آورد و روحانیت بیدارگر و دوراندیش را به تکاپو وا می‌دارد، تا به دفاعی جانانه از اندیشه‌های بنیادی دین برخیزد. استاد شهید در کتاب گرانسنگ مناظره‌ی دکتر و پیر که بعدها به «بحث‌های دکتر و پیر» تغییر نام یافت، با طرح مباحثی چون علم زدگی<sup>۱</sup> و واهی بودن ادعای شناخت انسان<sup>۲</sup> می‌کوشد تا باور خرافه بودن دین را که در اذهان فریب خوردگان اندیشه‌های روشنفکران غیرمذهبی جای گرفته بود، به نحوی تغییر دهد.<sup>۳</sup> او در مقام اثبات وحی به عنوان یک ضرورت زندگی و حقانیت چهره‌ی پیامبر برآمده<sup>۴</sup>، دفاع از جامعیت دین و نقش آن در برابر نظام کهنه و پوسیده جاهلی را تبیین می‌نماید.

۱ - سیدعبدالکریم هاشمی‌نژاد، مناظره دکتر و پیر، ص ۱۶

۲ - همان، ص ۹

۳ - همان، ص ۲۲

۴ - همان

عرضه مباحثی چون جاودانگی دین<sup>۱</sup> با اصول ثابت و پایدار، بحث از آن اصول ثابت و ساحت متغیر آن، پاسخی محکم به جریانی است که برای دین تاریخ مصرف، مشخص می‌کرد، و مدت اعتبار اصول مذهب را سپری شده تلقی می‌نمود.<sup>۲</sup>

اندیشمند شهید، به خوبی از پس تبیین این حقیقت برآمده است که اصول اخلاقی و اجتماعی و عقیدتی ثابت همراه با عنصر اجتهاد که پویایی مکتب را تضمین می‌کند، می‌تواند سرّ بقای دیانت باشد.<sup>۳</sup>

شهید دانشمند ما به خوبی از پس توضیح این حقیقت برآمده است که بر خلاف تصور و تبلیغ روشنفکران وابسته، حقانیت و منطقی بودن اسلام، با جاذبه های رفتاری و اخلاقی پیامبر همراه بوده و موجب بسط و گسترش اسلام گردیده است، نه اعمال زور و جهاد مسلحانه که مسیحیان، بر آن تکیه نموده و عامل توسعه اسلام پنداشته‌اند.<sup>۴</sup>

استاد ضمن ارائه‌ی تصویری زیبا از حیات نورانی و نیز تاریخ و سیره نبوی<sup>۵</sup>، این توهم را که مسلمانان مردمی درس‌نخوانده و جاهل‌اند و هم این پندار را که رسول‌خدا فقط با ابزار معجزه که از دیدگاه روشنفکران غیردینی ابزار و روشی بازیگرانه نه روشنگرانه‌انگاشته می‌شد پیش‌رفته‌است، به نقد می‌کشد.

۱- همان، ص ۵۰

۲- سیدعبدالکریم هاشمی نژاد، مناظره دکتر و پیر، ص ۵۳

۳- همان، ص ۶۰

۴- همان، ص ۶۳

۵- همان، ص ۹۸

باید اعتراف نمود که تفکر مادی به ویژه پس از سال های ۱۳۲۰ حقایقی چون معجزه را که با اندیشه‌های پوزیتیویستی و جریانات تجربه‌گرایی هم ساز نبود، بر نمی‌تافت و بیم آن می‌رفت که نفوذ این اندیشه‌ها، سامان عقاید مذهبی نسل جوان را به کلی متلاشی سازد. از این رو دفاع جانانه و روشنفکرانه از اصولی چون نبوت و اعجاز ضرورت می‌یافت، چنان که نفوذ جریان غرب‌گرا و لیبرال در عرصه‌ی روشنفکری ایران و هجوم افکار مارکسیستی (که به گفته‌ی استاد مطهری چونان دو لبه‌ی قیچی به قطع رشته‌ی اندیشه‌ی ناب دینی همت می‌گماشت)<sup>۱</sup> نیازمند مواجهه‌ای درخور بود تا مبرهن سازد که نه قوانین اسلامی و از جمله مواردی چون احکام برده‌داری، قوانین کیفری و جزایی، ظالمانه و غیر انسانی است<sup>۲</sup> و نه چالش‌هایی که بر سر راه اجرای قوانین دینی به گمان برخی، بزرگ‌نمایی می‌شوند، واقعی و نه احکام مربوط به حلال و حرام‌های دین (از جمله مواردی چون حرمت شراب و قمار) بدون مصلحت و معیار عقلانی است.<sup>۳</sup>

استاد ضمن شبهه‌زدایی از دامن جهاد اسلامی،<sup>۴</sup> به تبیین رابطه‌ی اسلام و غرب پرداخته،<sup>۵</sup> گذشته<sup>۶</sup> تاریخ مشعشع مسلمانان را پیش روی خواننده کتاب مجسم می‌سازد.<sup>۷</sup>

۱ - تعبیر استاد مطهری در یاره صهیونیسم و کمونیسم است بنگرید به: مطهری، مجموعه آثار، ج ۳۵، ص ۳۵۴.

۲ - بنگرید به: سید عبدالکریم هاشمی نژاد، مناظره دکتر و پیر، ص ۱۸۶، ۱۹۷، ۲۰۶ و ...

۳ - همان، ص ۴۸۲ و ۵۰۰

۴ - همان، ص ۲۷۹

۵ - همان، ص ۲۷۹

۶ - همان، ص ۲۷۹

سرانجام با تحلیلی از جریان روحانیت شیعه، ضعف‌ها و قوت‌ها، رسالت خطیر این جریان را بازگو می‌نماید و ضمن آنکه از این جریان اتهام زدایی می‌کند، می‌کوشد تا بصیرت و حساسیت را هم در بدنه سازمان روحانیت فراتر ببرد.<sup>۲</sup>

او به خوبی از پس تبیین این حقیقت برمی‌آید و رسالت روحانیت را که قرآن کریم از آن با عنوان «دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر» یاد فرموده است، بازگو می‌نماید که:

﴿وَلَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾<sup>۳</sup>

و نیز بیان می‌کند که: عالمان دین نوعاً مردانی خدا ترس، برخوردار از انگیزه‌ی الهی و مصداق آیه کریمه ﴿أَنَّمَا يُخِشَى اللَّهُ مِنَ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ﴾<sup>۴</sup> می‌باشند. در بیان استاد، از جنبه‌ی اجتماعی، اظهار نظر حوزه‌های علمیه از قبیل موارد اظهار نظر متخصص در یک امر است. وقتی همه‌ی امور به تخصص نیازمند است، چرا دانش دین نباید چنین باشد.

بعدها، فضای روشنفکری در کشور ایران، ضرورت پرداختن به این شبهه را بهتر ثابت کرد و اتهامی که شهید جوانمرد در آن عصر و زمان در صدد زدودن آن برآمد، هنوز هم تکرار می‌شود.

۱- همان، ص ۲۱۰

۲- سید عبدالکریم هاشمی نژاد، مناظره دکتر و پیر، ص ۵۱۳-۵۱۵

۳- آل عمران / ۱۰۴

۴- قاطر / ۲۸

اما هاشمی نژاد رحمته‌الله در همین حال می‌کوشد تا مخاطبان اثر او، صف مدافعان دین و سنگربانان مکتب را که در جبهه‌ی فرهنگی، سیاسی و اجتماعی علیه بیداد پهلوی به نحوی موضع گرفته‌اند، از جریان‌های سکوت و احیاناً سازش جدا کنند و معیارهای مشخص یک عالم دینی را به دست آورند؛ از این روحانیت انقلابی سخن می‌گوید،<sup>۱</sup> تا اذهان عمومی به سوی شخصیت‌ها و مراجعی چون امام راحل که سمبل یک روحانی تمام عیار است، منعطف گردد.

شهید با طرح مباحثی چون حقوق زن و ضرورت حجاب می‌کوشد تا هم خلأ فکری دیگری را که در آن عصر پدید آمده بود پر کند و اذهانی را که در اثر القانات روشنفکر نمایان وابسته، سخت آشفته بود بیدار سازد و هم حامیان سیاست شوم کشف حجاب، یعنی یکی از توطئه‌های جبهه استکبار علیه جوامع اسلامی را به پای میز محاکمه کشاند.

کتاب مناظره‌ی دکتر و پیر در فضایی که تمدن غرب در کشورهایی چون ایران رنگ و لعاب ویژه‌ای یافته و سیل آسا همه‌ی ارزش‌های ملی و دینی را به مخاطره افکنده است، می‌تازد و به زیبایی از لایه‌های پنهان و حتی ظواهر پیدای آن سخن می‌گوید، تا به سهم خود در جهت بازگرداندن خودباوری به نسلی که هویت دینی و ملی خویش را از کف می‌داد، نقش آفرینی کند.

کتاب مشکلات مذهبی روز که در سال ۱۳۴۸ تألیف شده است گواه صادق دیگری بر ویژگی درد آشنایی و زمان شناسی استاد شهید است.

کتاب در شرایطی که زمزمه‌ها و القانات متأثر از زمینه‌های علمی و پوزیتیویستی عقیده به مهدویت را تهدید می‌کند، با بیان شبهات با

پرسش‌هایی در یازده محور، پاسخ مناسب را ارائه می‌کند. چالش‌هایی از قبیل: «چگونگی پیروزی امام عصر علیه السلام بر دنیایی که مجهز به سلاح‌های مدرن و مخرب است، یا تحقق حکومت جهانی در شرایطی که ملت‌ها زمینه‌های تفرقه و تجزیه را به ویژه پس از متلاشی شدن حکومت عثمانی و تفرقه دیگر بلاد اسلامی تجربه می‌کند، یا شبهه‌ی استبعاد یا محال بودن طول عمر یک انسان که امری فراتر از جریان عادی می‌نماید، و موارد دیگری از این دست،» از اولویت‌ها و بایسته‌هایی هستند که استاد به واکاوی آنها پرداخته است.

### مبارزه سیاسی اولویت زمانی:

هر چند طرح و تبیین مواضع سیاسی استاد فرزانه‌ی ما فراتر از موضوع مقاله است، اما اشاره‌ای به این نکته ضروری است که مجموعه‌ی آثار ایشان طرح مسائلی را در دستور کار خود قرار داده است که به هر شکل، مستقیم یا غیر مستقیم، مورد ناخشنودی رژیم پهلوی و سیاست‌های استکباری وی بود و چگونگی تبیین آن مسائل چنان که اشاره رفت، سرانجام سیاست‌های مورد حمایت قدرت حاکمه را زیر سؤال می‌برد و نمونه‌ی آن، نحوه‌ی ورود به بحث حقوق زن، حجاب و روحانیت و به محاکمه کشیدن استعمارغرب بود.

اولویت عناوین و موضوعاتی که بتواند انگیزه مبارزه علیه رژیم را تقویت نموده و از رخوت و سستی و بی‌تفاوتی وارهاوند، در صدر جدول کوشش‌های علمی و آثار گرانسنگ شهید هاشمی نژاد علیه السلام قرار دارد. آن عالم متعهد که در مکتب فرزانه‌ی ای چون امام پرورش یافته بود و در صحنه‌ی مبارزات علمی ۱۵ خرداد، یکی از افسران بلند مرتبه جبهه به شمار می‌آمد، از آن پس همواره در سنگر مجاهدت با آرمان اسلام خواهی در عرصه‌ی حیات



فردی و اجتماعی و نفی سلطه‌ی خودکامگان مستبد و مزدوران استکبار، تا لحظه‌ی شهادت، جوانمردانه ایستاد.

به جای آوردن حقّ مجاهدت در این صف ایجاب می‌نمود که فرماندهان لایق، نیروهای بالقوه و فطرت‌های پاک جوان رزمنده و مدافع، راه، بازشناخته، فنون مبارزه را به آنان بیاموزند و دردل آنان انگیزه‌ی لازم را برای حضور در صحنه پیکار ایجاد نمایند.

شهید جوانمرد، در هر یک از این عملیات، به اندازه کافی از مهارت و توانمندی برخوردار بود.

او توانمندی‌های خود را در آموزش و بسیج نیروها از ماجرای «مسجد فیل» تا سال‌های پیروزی انقلاب اسلامی و پس از آن تا سقوط بنی صدر و ادعانامه‌های مستقل سیاسی علیه منافقان و جریان‌های التقاطی به اثبات رساند. اما نکته مورد نظر ما زمان‌شناسی، مقتضیات و تأثیر آنها در آثار مکتوب استاد فرزانه است. نباید فراموش کرد که اگر در یک جامعه مذهبی، الگوهای دینی، در صحنه‌ی مبارزات مکتبی، اهداف و آرمان‌های الهی و بالاخره شیوه‌های مبارزه مطرح گردد، اثرگذارترین راه، بسیج نیروها و به صحنه آوردن آنهاست.

بی شک در تاریخ اسلام هیچ واقعه‌ای به اندازه‌ی عاشورا نمی‌تواند اثرگذار باشد و هیچ الگویی بهتر از آن نمی‌تواند تابلو راهنمای خلق به حساب آید. استاد خود در این باره چنین یادآور می‌شود:

«سال‌ها آرزو داشتم درباره‌ی نهضت مقدس حسین که نه تنها یک جنبش اصیل اسلامی، بلکه حساس‌ترین فراز تاریخ انسانی است، کتابی بنویسم»<sup>۱</sup>. استاد شهید ما کتاب یاد شده را به گونه‌ای سامان داده است که خواننده به فراست و در یک مطالعه‌ی تطبیقی میان شرایط سیاسی و عصر خفقان رژیم پهلوی با شرایط سیاسی اجتماعی نهضت امام حسین، ضرورت تکرار یک عاشورای دیگر و ایجاد یک جنبش‌رهایی بخش در مواجهه با انحراف عصر ستم‌شاهی را در آینه تاریخ کربلا به وضوح بنگرد و خود همپای آن، برای ورود به صحنه‌ی نبردی ضد استبدادی، اعلام آمادگی کند؛ حکومت‌شاهی را با نظام اموی مقایسه کند و پایمال شدن فرهنگ دینی، اصول عدالت اقتصادی و دیگر مقدسات دینی را برتابد.

از نحوه‌ی ترسیم صحنه‌های مواجهه امام حسین با ولید گرفته تا خطابه‌های آتشین روز عاشورا و تصویر دیگر پرده‌های این تاریخ مشعشع، چنین دستاوردی را می‌توان انتظار داشت که از خواننده‌ی کتاب، شیعه‌ای عدالت‌طلب، آمر به معروف و ناهی از منکر بسازد؛ کسی که عزت و افتخار حسینی را سرلوحه‌ی زندگی سیاسی خویش قرار دهد.

استاد شهید، نقش انقلابی سید الشهداء علیه السلام را از زاویه‌های مختلف بازگو می‌کند، و یا با یادکرد داوری تعدادی از رهبران سیاسی مذهبی درباره‌ی شخصیت و قیام حسینی، و برداشت آنان از نهضت عاشورا، درس‌هایی از این قیام را خاطر نشان می‌سازد.<sup>۲</sup>

۱ - سیدعبدالکریم هاشمی‌نژاد، درسی از حسین علیه السلام به انسان‌ها آموخت، ص ۳

۲ - سیدعبدالکریم هاشمی‌نژاد، مناظره دکتر و پیر، ص ۴۲۵.

ایشان در پایان می‌کوشد سر دلبران را در حدیث دیگران بازگو کند، بی‌آنکه توضیح دهد چه انگیزه‌ای دارد اما گویا تصویر آنها از این نهضت به واقع نزدیک‌تر از تلقی برخی از جاهلان مدعی ولایت است که به ابعاد نهضت و آثار آن واقف نشده‌اند.

با طرح این پرسش که «آیا حسین خود را به هلاکت انداخت؟» دیدگاه‌ها را عالمانه و ابتکاری نقد می‌کند و شبهات را می‌زداید و در خصوص بهره برداری عملی از مراسم عاشورایی رهنمود می‌دهد.

استاد با اطلاع از اوضاع کشور و جهان، به روشنگری در خصوص هدف و ماهیت نهضت عاشورا بسنده نمی‌کند، بلکه در زمینه‌ی آیین عزاداری از دو جنبه‌ی مثبت و منفی به تحلیل می‌پردازد. او به شدت از رویه‌هایی چون «قمه زنی» که هم مبنای دینی ندارند و هم موجب تنفر شدید غیرمسلمانان نسبت به احکام نورانی دین می‌گردند به شدت بر حذر داشته اعمالی از این دست را موجب شرمساری می‌خواند:

«دوستم می‌گفت در بین مناظر گوناگونی که از کشورهای مختلف نشان داده شد، منظره‌ی «قمه زدن» آنچنان حسّ نفرت و انزجار را در بینندگان تحریک کرد که غیر قابل وصف است.»<sup>۱</sup>

از سویی دیگر، طرح پیشنهادی در خور ملاحظه می‌دهد که خود نوعی بیانیه‌ی سیاسی هم تلقی می‌شود و کارکردی از جنس عاشورایی دارد: «طرحی که ما برای این تظاهرات آرام در خیابان‌ها و بازار در ایام سوگواری حسین بن علی علیه السلام داریم این است که جمعیت با لباس‌های سیاه در

صفوفی منظم به حرکت در آیند، بدون آنکه هیچ‌گونه پیرایه و «علم و کتل» با خود حمل کنند. تنها چیزی که در آن گفتارهای حسین علیه السلام و سخنانی که آنحضرت درباره‌ی هدف های بزرگ خود بیان فرموده اند نوشته شده باشد و در طول راه آياتی از کلام الله مجید بوسیله‌ی بلندگوهای سیار تلاوت گردد. آن‌گاه جمعیت در مکان‌های حساسی که در مسیر آنهاست توقف کند و خطیبی توانا تاریخی کوتاه درباره حادئه کربلا و پیرامون همان کلمات و شعارهایی که از خطبه‌های حسین علیه السلام اقتباس گردیده و بر پرده‌ها و پرچمها نوشته شده و همچنین پیرامون عواملی که قیام آن حضرت را ایجاب کرد سخن بگوید و مقاصد بزرگ رهبر آزادگان را شرح دهد و شنوندگان را به آن مقاصد انسانی دعوت نماید.<sup>۱</sup>

عنوان های گزیده شده نیز هر یک حماسه سازند؛ همانند:

خطابه های آتشین یا محاکمه‌ی دینی حکومت؟<sup>۲</sup>

یزید در رأس حکومت اسلامی قرار می‌گیرد؟<sup>۳</sup>

سیاست روش خاص نهضت حسین علیه السلام؛<sup>۴</sup>

عاشورا یا آخرین روزی که امام حسین از هدف خود سخن گفت؛<sup>۵</sup>

نقش اسرا در بهره برداری از نهضت؛<sup>۶</sup>

۱ - سیدعبدالکریم هاشمی‌نژاد، مناظره دکتر و پیر، ص ۴۰۲

۲ - همان، ص ۲۹۲

۳ - همان، ص ۱۲۳

۴ - همان، ص ۱۸۶

۵ - همان، ص ۲۶۷

۶ - همان، ص ۲۹۲

از فاجعه طف چگونه باید بهره برد؛

خطابه های آتشین یا محاکمه رئیس حکومت<sup>۲</sup>.

اولویت شناسی استاد، بجا و پسندیده بود. بعدها، اظهارات بنگاه های مطالعاتی تحقیقاتی وابسته به غرب، این حقیقت را فاش ساختند که خیزش انقلاب ایران تا چه اندازه از نهضت عاشورا متأثر بوده است.

در مجموع اولویت های استاد به لحاظ انتخاب عرصه ها و عناوین، در

چند مورد خلاصه شود:

الف - عرصه هایی که ورود به آنها در تحقق خیزش مردمی و آماده سازی

آنها برای رسالت مبارزه با رژیم منحوس پهلوی با عنایت به مقتضیات اجتماعی و سیاسی مؤثر بوده است.

ب - پاسخ به شبهاتی که از سوی روشنفکران راست یا چپ در فاصله

زمانی طول حیات علمی استاد و فاصله زمانی تألیف ها و نگارش های استاد،

القا شده و نیازمند پاسخ بوده و در غبارزدایی از چهره مکتب، نقش آفرین

بوده است.

ج - تبیین صحیح مبانی فکری و عقاید دینی به گونه ای که پندار وجود

فاصله میان علم و دین را در اذهان خواننده از میان ببرد یا کاهش دهد.

### تأثیر مقتضیات در بازنگری آثار

گفتنی است، توجه به مقتضیات و پایش اوضاع و احوال سیاسی اجتماعی،

استاد شهید را تنها از جنبه اثباتی به انتخاب اولویت ها و نمی داشت، بلکه با

عنایت به تواضع علمی و اخلاقی و نیز فراستی که از آن برخوردار بود، اگر شرایط ایجاب می نمود در نگاه‌های پیشین هم تجدید نظر می فرمود و گاه به اضافه یا حذف برخی از مطالب اقدام می پرداخت.

مقدمه کتاب مناظره‌ی دکتر و پیر که در سال ۱۳۵۷ تجدید چاپ شده، گواه این حقیقت است که به اعتراف مؤلف بزرگوار با توجه به گذشت بیش از بیست سال از تألیف کتاب، این اثر، با عنایت به تغییراتی که در جو فکری نویسنده و هم فضای سیاسی جامعه اسلامی پدید آمده است، نیازمند تجدید نظر می باشد. از این رو استاد فصل پایانی کتاب دکتر و پیر را که به مباحثی پیرامون حقوق زن و حجاب اختصاص یافته بود، به ویژه پس از تألیف کتاب نظام حقوق زن در اسلام از سوی استاد شهید مرتضی مطهری، ضروری نمی بیند و آنرا حذف می کند.<sup>۱</sup>

### ب) رویکردها (بهره گیری از روش تجربی)

در بخش های پیشین به فضای نگارش آثار شهید هاشمی نژاد رحمته الله علیه پرداختیم. در چنین فضایی، استاد وقتی به مقوله اثبات وجود خدا می پردازد، وجهه‌ی روش عمده خویش را اثبات این حقیقت به مدد علم و دانش بشری قرار می دهد و بر رهاورد تجربیات بشری و علوم طبیعی تکیه می کند، تا آنجا که از ۳۱۳ صفحه جلد اول کتاب اصول پنج گانه، از صفحه ۳۲ تا ۱۸۴ که حدود نصف کتاب را تشکیل می دهد، به خداشناسی علمی اختصاص یافته است.<sup>۲</sup>

۱- سید عبدالکریم هاشمی نژاد، مناظره دکتر و پیر، ص ۱ و ۲

۲- همان، اصول پنج گانه اعتقادی، ج ۱، ص ۱۹۸-۲۰۰

این در حالی است که پیرامون برهان امکان و وجوب که محصول تلاش فیلسوفانی چون ابن سینا است، فقط سه صفحه از متن کتاب اختصاص یافته است.<sup>۱</sup> و اذعان می‌کند که: «با آنکه به تعدادی از استدلال‌ها و برهان‌ها بجز برهان نظم هم اشاره داریم، با این حال به طور عمده و در ابتدا از این راه یعنی راه علوم تجربی و مطالعه در نظامی که حاکم بر توحید است استفاده کرده و از آن بهره برمی‌داریم.»<sup>۲</sup>

البته آن ارجمند به ارزیابی دلیل‌های تجربی و فلسفی، مقایسه ادله و میزان اعتمادسازی هر یک و ارزش منطقی آنها نپرداخته است.

### استفاده از جدل یا برهان؟

گرچه در سراسر کتاب‌ها شیوه استدلالی فراوان به کار رفته است، اما از مهارت‌های شهید، بهره‌گیری بجا از شیوه‌ی جدل و استمداد از فن مناظره بود. او که بر خلاف رویه‌ی معمول، روزنامه‌ها و مجلات عصر را مطالعه می‌فرمود، با استفاده از نقطه ضعف‌های دنیای کفر و بلوک غرب، به مصاف آنان می‌رفت و اعترافات خود آنان را در تخریب بنیان فرهنگ و اندیشه آنان سامان به کار می‌گرفت. استناد به اعترافات دالس (از وزرای خارجه پیشین آمریکا) در مورد آشفتگی و سراسیمگی مردم این کشور و فقدان مرام و شخصیت ایده آل، یکی از همین موارد است.<sup>۳</sup>

۱- همان

۲- همان، ص ۳۷

۳- بنگرید به: همان، ج ۱، ص ۱۷-۱۹ و ۲۶۹

همچنین به عنوان نمونه و در به محاکمه کشیدن جنایت های دنیای غرب، از مطبوعات خود آنان استفاده می کند.

### ج) مخاطبان

کمترین اطلاع از حیات علمی فرهنگی استاد شهید، این نتیجه را به دست می دهد که قلم و زبان او در خدمت نسل جوان اما تحصیل کرده و دست کم مستعد بود. پای صحبت او در همه جا و از جمله کانون بحث، درس های رسائل و کفایه حوزه علمیه و سخنرانی های عمومی، از مستمعان جوان پر می شد و نام کتاب او پاسخ به مشکلات جوانان بود و شبهات و چالش ها نیز به این طیف تعلق داشت. بخش قابل ملاحظه ای از آثار مکتوب استاد، مباحثی است که برای جوانان ایراد شد؛ چنان که در مقدمه کتاب اصول پنج گانه، یادآور شده است که جمعی از دوستان دانشجوی من از دانشکده های الهیات، علوم پزشکی و ادبیات از من خواستند که جلسات بحثی را درباره ی شناخت مسائل اعتقادی به وجود آورم.

### د) زمان و سبک نگارش

استاد ساده و بی پروا و به دور از تکلف می نوشت؛ چنان که روان هم سخن می گفت. البته به همان نسبت که آثار او نثری دلپذیر دارد، از محتوایی غنی برخوردار است.



یادم هست روزی در محل سرای .... در اول خیابان نواب صفوی (پایین خیابان) مشهد مقدس یکی از حاضران درخواست نمود که استاد قدری ساده‌تر سخن بگویند. ایشان در جواب فرمود:

«من تا می‌توانم مطلب را ساده بیان می‌کنم، اما گاهی مطلب به گونه‌ای است که اگر از این حد، تنزیل یابد به محتوای آن لطمه می‌خورد»  
و همین سبک ادبی، بر نوشته‌های استاد نیز حکم فرما بود.

مخاطبان وی را غالباً در مجموعه‌ی آثار، نسل جوان، تحصیل کرده‌ها اعم از طلاب و دانشجویان تشکیل می‌داد، و او به هدایت این مقطع سنی اهتمام می‌ورزید. مهم‌تر آنکه بزرگی چون او حاضر است مباحث وزین و دقیقی را که در اصل تألیف، کم نظیر است، در قالب یک رمان عرضه کند تا از این رهگذر، شعاع تأثیر آن فراتر رود. مناظره دکتر و پیر، چنین وضعیتی را نشان می‌دهد. مهم‌ترین سبک‌های نگارش را می‌توان در مجموع، در موارد ذیل خلاصه نمود:

- ۱- توصیفی ادبی که به کارگیری الفاظ زیبا و بیانی شاعرانه است و جنبه تخیلی دارد.

- ۲- تحقیقی علمی که به موضوعی خاص، مربوط می‌گردد.

- ۳- ساده نویسی که با پرهیز از عبارات و جملات سنگین تخصصی و فنی، بازبانی ساده و برای عموم نگارش می‌یابد و البته این نوع نوشتن، کار ساده‌ای نیست.

- ۴- ادبیات کودکان.

- ۵- طنزنویسی که به ذوق شوخ طبعی، آگاهی اجتماعی و مطالعه طنزهای دیگران نیازمند است.

۶- قصه و داستان که به داستان های واقعی یا خیالی کوتاه (نول) و یا داستان های بلند (رمان) قابل تقسیم است.<sup>۱</sup>

شهید دانشمند ما در عین آنکه به مباحث علمی و موضوعات خاص پرداخته، زمینه های اعتقادی، اجتماعی، سیاسی و حقوقی و مانند آن را مطرح ساخته و سبک نگارش او به نوع دوم تعلق می یابد، اما کوشیده است تا حد امکان از سخت نویسی پرهیزد و به دلیل گرایش مخاطبان عصر نگارش، از روش و سبک رمان نیز در نخستین اثر خود سود جوید. همین امر موجب گردیده است که برخی این کتاب را از نوع «رمان ه» به حساب آورند و البته از سبک طنز هم در مواردی، بهره جسته است.

دوره ای که شهید به تألیف روی آورده است، مقطع پیدایش سبک و ادبیات نسبتاً تازه ای در حوزه های علمیه است که بزرگانی امثال استاد مطهری آیت الله مکارم آیت الله سبحانی نویسندگان آن روز مجله مکتب اسلام، مجله نور دانش، و باحال و هوای متفاوتی مؤلف سرود جهش ها و خورشید مغرب را باید از این طیف به حساب آورد نگاهشده های استاد با سبک و سیاقی که پیدا است، یکی از همین موارد به حساب می آید، که تأثیر فضای موجود و مقتضیات عصر در آن نقشی بسزا ایفا نموده است و هرچه باشد استاد از معدود پیش کسوتان این راه به شمار می آید.

## نتایج

۱- استاد شهید هاشمی نژاد رحمته الله علیه، نویسنده ای حاضر در صحنه بود، در خلأ نمی نوشت و نوشتن را نه حرفه ای خویش که بخشی از رسالت خود می شناخت.

۲- او که زمان خویش را به خوبی شناخته بود به اقتضای آن، طرح موضوعاتی ویژه را در اولویت قرار می‌داد، با گفتمان روشنفکری آشنا بود، و با رویکرد علمی به مواجهه اندیشه‌های متقابل می‌پرداخت. از این رو شیوه او کارساز و ساختار نوشته‌هایش کارآمد و زبان قلمش گویا بود.

۳- شهید جوانمرد ضمن پای فشردن بر اصول ثابت و استوار دیانت و مبانی مکتب اهل بیت، و مصون نگاه داشتن خویش از آفات متغیرهای زمان، در صف جهادگران و احیاگران، در همی سنگرها بر حسب نیازها با شناختی واقع بینانه از خطرهای و هجوم‌ها، سینه‌سپهر و مقاوم و علم بردوش ایستاده بود.

﴿وَسَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَ يَوْمَ يَمُوتُ وَ يَوْمَ يَبْعَثُ حَيًّا﴾

### کتابنامه

- احمدی و گیوی، زبان و نگارش فارسی، تهران، سمت، ۱۳۶۹ش.
- پارسانیا، حمید، حدیث پیمانہ، معاونت اموراساتید و دروس معارف اسلامی، ۱۳۷۶ش.
- جنتی زاده، اسلام سیاسی در ایران، قم، دانشگاه..... ۱۳۸۷ش.
- حائری، عبدالهادی، رویارویی های مسلمانان با دو رویه تمدن بورژوازی غرب، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۷ش.
- گروه نویسندگان، حوزه و روشنفکری، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۹ش.
- زرشناس، شهریار، تأملی در روشنفکری ایران،
- صفار، محمدبن حسن، بصائر الدرجات، تهران، اعلمی، ۱۳۶۲ش.
- مجلسی، محمدتقی، بحارالانوار، بیروت.
- محدثی، جواد، روش ها، قم، نشر معروف، ۱۳۷۷ش.
- مطهری، مرتضی، مجموعه ی آثار، انتشارات صدرا.
- هاشمی نژاد رحمته، عبدالکریم، اصول پنج گانه اعتقادی، انتشارات طوس، ۱۳۵۲ش.
- \_\_\_\_\_، پاسخ ما به مشکلات جوانان،

\_\_\_\_\_ ، درسی که حسین به انسان‌ها آموخت، انتشارات

فراهانی، ۱۳۴۷ش.

\_\_\_\_\_ ، رهبران راستین، مشهد، انتشارات طوس، ۱۳۵۴ش.

\_\_\_\_\_ ، مسائل عصر ما، مشهد، انتشارات طوس، ۱۳۴۰ش.

\_\_\_\_\_ ، مشکلات مذهبی روز، تهران، انتشارات فراهانی، ۱۳۴۷ش.

\_\_\_\_\_ ، مناظره دکتر و پیر، انتشارات فراهانی، ۱۳۵۷ش.